

نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت

جواد محمدی صبا
لیسانس آموزش هنرهای تجسمی

اشاره

همه بچه‌ها به هر حال در دوران کودکی چندین صفحه‌ای را خط‌خطی کرده‌اند. اما آیا این استعداد، تاریخ مصرفی داشته است که بعد از جوانی یا قبل از آن از بین می‌رود و تنها در برخی شکوفا می‌شود و تا آخر عمر ادامه می‌یابد؟ شواهد نشان می‌دهد که هر اندازه کودکان در انتخاب موضوع آزادی عمل داشته باشند و شناخت کافی برای استفاده از تخیل و آزادی در رنگ‌آمیزی و ابزار وجود داشته باشد به راحتی می‌توانند هر موضوعی را نقاشی بکنند بدون ترس از این که دیگران آن را تأیید بکنند یا نه. در این صورت پرورش خلاقیت و شکوفایی استعداد آنان از این طریق ممکن می‌گردد و حتی می‌شود با این روش کودکان را شناخت و با دنیای پر رمز و راز آنان آشنا شد. در این مقاله سعی بر این بوده است که رابطه موضوع نقاشی و پرورش خلاقیت از زوایای مختلف و برخی کتاب‌های نوشته شده در این مورد بررسی و به نقش مربی، والدین و اجتماع نیز اشاره شود.





مقدمه

آن‌هاست. این طرح‌ها به مرور با رشد کودک، کامل‌تر می‌شوند و برای ما مفهوم روشن‌تری پیدا می‌کنند. با تأیید و تشویق کارهای کودکان، می‌توان اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت و شوق تجربه‌های بعدی را در آنان ایجاد کرد. نقاشی کردن برای کودک به معنای مفید، سازنده و مبتکر بودن است و تأثیر مهمی بر ذهن او می‌گذارد؛ به همین دلیل در نقاشی به هیچ‌وجه نباید از مدل استفاده کرد. بچه‌ها باید آزادانه در مورد موضوع بیندیشند و ایده خود را در حد توانایی‌شان اجرا کنند تا از درون ارضا شوند. با توجه به این دیدگاه، نقاشی کودکان جنبه تربیتی دارد نه آموزشی.

خلاقیت در کودکان

خلاقیت قابلیت است که در همگان وجود دارد اما به پرورش و تقویت نیاز دارد تا به شکوفایی برسد. فرد خلاق کسی است که از ذهنی جست‌وجوگر و آفریننده برخوردار باشد. به عبارتی دیگر، خلاقیت یعنی «توانایی دیدن چیزها به شیوه‌های جدید، شکستن مرزها و فراتر رفتن از چارچوب‌ها، فکر کردن به شیوه‌های متفاوت، ابداع چیزهای جدید، استفاده از چیزهای نامربوط و تبدیل آن به شکل‌های جدید». می‌توان نتیجه گرفت که خلاقیت برآیند فرایندهای ذهنی و شخصیتی فرد بوده و به تولیدات و آثاری منجر می‌شود که نو و بدیع‌اند، خاصیتی متکامل داشته و با واقعیت‌ها، منطبق بوده و در نهایت به سود جامعه بشری هستند.

تخیل و خلاقیت

خلاقیت و تخیل در عین حال که یکی نیستند ولی کاملاً با هم ارتباط دارند. خلاقیت غالباً مستلزم کاربرد تخیل است. به نظر فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶) تفکر خلاق شکل عالی تخیلات آزاد و بازی‌های دوره کودکی است. از مهم‌ترین عواملی که تفکر خلاق را ممکن می‌سازد، تخیل است. وقتی سخن از تخیل و خلاقیت به میان می‌آید، فقط به‌خاطر آینده جامعه نیست بلکه وضعیت فعلی کودکان نیز باید مدنظر باشد.

کودکان به کمک تخیل می‌توانند از زمان حال به گذشته و آینده و آنچه خواهد شد فراتر بروند. برای مثال، از طریق نقاشی ارزش جاودانی را تجربه می‌کنند. درباره مفاهیم تازه می‌اندیشند و آن‌ها را می‌آفرینند. مشکلات را حل می‌کنند. عزت‌نفس پیدا می‌کنند. و ما از این طریق می‌توانیم بررسی

وقتی کلاس سوم ابتدایی بودم، یک روز یادم رفت گیلای را که معلم ما هفته پیش تکلیف داده بود به کلاس بیاورم و با سیلی محکمی دنیا بر سرم خراب شد ولی البته از نقاشی بیزار نشدم. فقط مشکلم این بود که موضوعات داده شده توسط معلم را بلد نبودم و حق انتخاب موضوع هم نداشتم.

در پایه چهارم ابتدایی معلم طرز نقاشی تصویر درختی را روی تخته سیاه برایمان شرح داد که بعد از آن تا دوره هنرستان فقط آن درخت را بلد بودم. در دوره راهنمایی هم که معلم ویژه هنر نداشتیم. همیشه نمراتم زیر ۱۵ بود که تنها یک بار قوطی کبریتی را به‌وسیله خط‌کش رسم کردم و ۲۰ گرفتم که دلیل گرفتن آن نمره هیچ‌وقت برایم آشکار نشد.

آموزش دادن نقاشی به کودکان همیشه برایم دغدغه بود و بعد از شروع تدریس به عنوان مربی هنر، سریعاً روش‌های مختلفی را می‌آزمودم تا به این نتیجه رسیدم که دادن موضوعات نقاشی متناسب با فرهنگ و اقتضای سنی کودکان و صحبت و پرسش و پاسخ در مورد همان موضوع می‌تواند کودکان را تشویق و متمرکز برای دیدن اطراف خودشان بکند. به عنوان مثال: خانه‌ای که سال‌ها در آن زندگی می‌کنند و شناختی از آن ندارند یا مسیر خانه تا مدرسه که هر روز طی می‌شود و نمی‌دانند که درختان آن از نوع سرو است یا تبریزی یا از شکل مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کنند بی‌خبرند. اما با این روش بچه‌ها بعد از آن به‌جای نگاه کردن، همه‌چیز را می‌بینند و به‌یاد می‌سپارند. به‌نظر می‌رسد دیدن، به‌یاد سپردن و شناخت لازمه پرورش خلاقیت است و مربی هنر نقش بسزایی در این مورد ایفا می‌کند. کودکان با توجه به دید شخصی و تخیل خود دست به خلاقیت زده و آثار زیبایی خلق می‌کنند و گاه حتی در ردیف نقاشان بزرگ دنیا قرار می‌گیرند. نقش مربی در این میان، هم می‌تواند پرورش‌دهنده باشد و هم سرکوب‌کننده خلاقیت.

کلیدواژه‌ها: موضوع در نقاشی، نقاشی کودکان، خلاقیت.

تعریف نقاشی کودک

نقاشی فعالیتی آشنا و عادی است که بر رشد ذهنی بچه‌ها تأثیر زیادی دارد. کودکان به نقاشی علاقه دارند و با هر چه در دسترسشان باشد طرح‌هایی می‌کشند که متناسب با روحیه





کنیم که دربارهٔ جهان خود چه می‌دانند، چه چیزی را مهم می‌دانند و چگونه آن را بیان می‌کنند.

ویژگی‌های کودکان خلاق^۲

۱. کودکان خلاق اغلب با آب‌وتاب حرف می‌زنند. ذکر جزئیات یک ماجرا و به تفصیل سخن گفتن می‌تواند نشانهٔ قدرت خیال و تصور زیاد در آن‌ها باشد.
۲. دقت و توجه شدید در گوش‌دادن، مشاهده‌کردن یا انجام دادن کاری دارند.
۳. شور و نشاط و مشغولیت‌های شدید حرکتی جسمانی دارند.
۴. در صحبت‌های خود از قیاس استفاده می‌کنند.
۵. عادت به وارسی منابع مختلف دارند.
۶. با دقت به اشیا و پیرامون خود می‌نگرند.
۷. اشتیاق به صحبت کردن دربارهٔ کشفیات با دیگران دارند.
۸. توانایی ابداع بازی‌های جدید و تغییر در بازی‌ها را دارند.
۹. کنجکاوی زیادی برای سردرآوردن از امور دارند.
۱۰. در گفتار خود جسارت زیادی دارند.
۱۱. سؤالات عجیبی طرح می‌کنند.

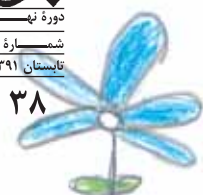


چرا گاهی به نظر می‌رسد که کودکان از بزرگ‌سالان باهوش‌تر و خلاق‌ترند؟

به‌طور طبیعی، اثر محیط باعث تخریب طرز تلقی بسیاری از کودکان در دوران پرورش آن‌هاست. دانشمندان و مربیان نظیر جمیس^۴، سانتایانا^۵ و اشترن^۶ عقیده دارند که کودکان دارای هوش خلاق هستند ولی بعداً از ترس این‌که اشتباه کنند یا ساده‌لوح به‌نظر برسند هم‌رنگ جماعت و مقید به نظم می‌شوند.

بزرگ‌سالان نسبت به کودکان اطلاعات بیشتری در اختیار دارند به همین دلیل بازدهٔ هنری آنان پیچیده‌تر از بازدهٔ کودکان است. ولی کودک نیز اطلاعات و تجارب فزاینده‌ای دارد.

مثال: کودکی موفق می‌شود نقاشی‌های زیبایی بکشد ولی آن گروه اجتماعی که وی بدان وابسته است نمی‌داند این نقاشی‌ها به چه کار می‌آیند. از این‌رو بعضاً واکنش تخریبی به اثر هنری کودک نشان می‌دهند. بنابراین خیلی زود ایجاد این نوع خلاقیت بی‌مصرف و دست و پاگیر و مایوس‌کننده می‌شود و کودک مجبور به ترک فعالیت مورد علاقه‌اش می‌شود و سعی



می‌کند چیزی را خلق کند که مورد علاقه و توجه اطرافیان باشد. این یک اثر منفی است که محیط انسانی بر کودک می‌گذارد اما کودک دست از خلاقیت برنمی‌دارد و عوامل مثبت دیگری (یاری معلم روشن‌بین، هوشمندی و استقلال‌نظر کودک) بر جَوّ خصمانه پیروز می‌شود. اگر به کودک امکان شناخت محیط‌های گوناگون و کسب تجربه در جهات مختلف داده شود حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت او تقویت خواهد شد.

به کودکان کمک کنیم تا انتخاب کنند

توانایی تصمیم‌سازی بخشی از اهداف برنامه رشد است. کودک شما باید یاد بگیرد که در مورد کارهایی که لازم است انجام دهد فکر کند نه این‌که صرفاً کارهایی را که به او می‌گویند انجام دهد یا در برخی موارد از انجام دادن آن‌ها طفره برود! اما با این حال شما در این دوران نمی‌توانید دست کودک خود را برای انتخاب کاملاً باز بگذارید؛ زیرا او ممکن است تصمیم‌هایی بگیرد که برای سلامتی او مضر باشد.

یکی از عوامل مهم در رشد شخصیت کودکان، پرورش حس اعتمادبه‌نفس در ایشان است. برای این‌که کودکان و نوجوانان بتوانند از حداکثر ظرفیت ذهنی و توانمندی‌های بالقوهٔ خود بهره‌مند شوند، باید بتوانند نسبت به خود خوشبین و نسبت به محیط اطراف دارای احساس توانایی بوده از انگیزه‌های قوی برای تلاش برخوردار باشند و در یک کلام باید از حس اعتمادبه‌نفس برخوردار شوند.

خلاقیت: با ایجاد محیط مناسب برای پرورش خلاقیت کودک می‌توان اعتمادبه‌نفس را در او تقویت کرد. می‌توان اظهار داشت که «رنگ کردن و نقاشی و سایر فعالیت‌های هنری به منزلهٔ بهترین وسایل برای ابراز علائق و عواطف کودک به‌شمار می‌روند».

از طرف دیگر، آشنا شدن به موضوع نقاشی در ذهن کودکان و چگونگی رنگ‌آمیزی آنان، این امکان را به مربیان و دست‌اندرکاران می‌دهد که با استفاده از این زبان خاص می‌توانند به استعدادها و علایق کودکان پی برده و در نهایت به شکوفایی آن‌ها اقدام نمایند. لذا «یکی از رایج‌ترین راه‌های عرضه و ارائهٔ استعدادهای خلاقه، نقاشی است».

آرنو استرن (Arno Stern)^۷ که آموزگار نقاشی است، اعتقاد دارد: «بچه وقتی مشغول نقاشی است بیش از هر موقع و مکان دیگر خود را آزاد و تنها می‌یابد. چون در چنین وضعیتی هیچ قانونی به او تحمیل نمی‌گردد و مانع انجام آن‌چه دلخواه





رد موضوع‌های دیگر در سنین مختلف و نزد کودکان مختلف، تفاوت دارد.

شناخت و جلب توجه کودکان به وسیله موضوع نقاشی

کودک در انتخاب موضوع نقاشی فقط تحت تأثیر بیان داستانی نیست، بلکه احتیاج به شناخت نیز محرک اوست. فعالیت گرافیکی برای کودک وسیله‌ای است برای شناخت، پرسش و طرح مسائل و مشکلات و در عین حال اثربخشی و اکتشاف. بزرگسالان برای به‌خاطر آوردن مشخصات یک شیء و یا برای روشن‌تر شدن هر مطلبی، شکل و طرح آن را ترسیم می‌کنند. به همین ترتیب کودک برای آن‌که شناسایی خود را از یک سیستم فنی تکمیل کند، شکل آن را می‌کشد. برای این‌که کودک بتواند موضوع جدیدی را درک کند، باید حتماً ارتباطی ولو مبهم بین موضوع جدید و تصاویر مغزی او پیدا شود. چنان‌چه این ارتباط پدید آید، تصویر جدید در مقایسه با موقعیت‌ها و تجارب قبلی قابل درک می‌شود.

بهترین وسیله برای شناخت نمادها توسط کودک این است که از او بخواهیم مثلاً خواب و رؤیایی را به‌صورت نقاشی بکشد، و سپس آن را توضیح دهد.

آزاد گذاشتن کودکان در انتخاب موضوع نقاشی

نقاشی پلی برای برقراری ارتباط با درون کودکان است. آن‌ها دنیای شخصی خود را می‌آفرینند و واقعیت‌ها را همان‌گونه که می‌دانند و می‌شناسند، به تصویر می‌کشند. در واقع آن‌ها نه فقط آن‌چه را می‌بینند، بلکه آن‌چه را از جهان پیرامون خود درک می‌کنند، نقاشی می‌کنند.

در نقاشی کودکان گاه تنه درخت زرد، آسمان صورتی، گربه قرمز و صورت انسان بنفش است. احساس کودک به هر چیز رنگ تازه‌ای می‌دهد. به همین دلیل مربی می‌تواند

اوست نمی‌شود. لذا درون خود را به نحو اکمل ظاهر می‌سازد. در این کیفیت‌هاست توانایی سحرآمیزی که باعث ایجاد تابلوهای هنری (که نمودار هنر بی‌آلایش و خالص هستند) می‌شود، شکفته می‌گردد.»

برای برانگیختن این جریان ابداعی بعضی شرایط لازم است: در مرحله اول آزادی بیان، آزادی در انتخاب موضوع، در انتخاب اندازه، در انتخاب آموزش رنگ‌ها و در آهنگ اجرای کار. زیرا کودک باید فکر خود را دنبال کند و در نتیجه شکل خاصی جهت تشریح آن خواهد یافت که موزون با عشق و علاقه اوست.^۸

کودکان در نقاشی‌هایشان از قوه تخیل و حافظه خود بسیار استفاده می‌کنند. وقتی نقاشی خودبه‌خودی است، موضوع آن، در مرکز توجه کودک قرار می‌گیرد، و چنان‌که می‌دانیم نتیجه همگرایی بین عواملی چون خلق‌وخو، نقش جنسیت، تجربه و سن است. به‌طور مثال کودکان برون‌گرا از موضوع‌هایی استفاده می‌کنند که تصویر واضح تمایلاتشان را نمایان سازد؛ در حالی‌که کودکان درون‌گرا از جنبه‌های ارتباطی نقاشی بهره می‌برند و برای این‌که از درون آن‌ها چیزی بیان نشود، از موضوع‌های مشخص و قراردادی مانند منظره، گل و میوه استفاده می‌کنند و اگر هم از آن‌ها خواسته شود مثلاً تصویر خودشان را نقاشی کنند، آن‌ها خود را در حال نقاشی کشیدن و یا خوابیدن به تصویر می‌کشند. به‌طور کلی، موضوع نقاشی با پیشرفت سن، از مرحله علاقه به خود، به مرحله توجه به دنیای خارج و دیگران تکامل می‌یابد.

اگر فرصت مشاهده تعدادی از نقاشی‌های کودکان را داشته باشیم، متوجه می‌شویم که موضوع‌هایی مانند خانه، آفتاب، درخت و غیره غالباً ده بار بی‌آن‌که برای کودک کسل‌کننده باشد، تکرار شده است. تکرار یک موضوع معمولاً دارای معنی خاصی در ارتباط با کودک است. ترجیح یک موضوع ثابت و



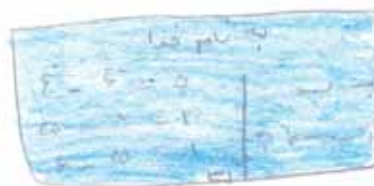
از کودک بخواهد که هر یک از موضوعات (خانه، درخت، گربه، مورچه و...) ذهنی خود را بکشد و آن را به هر رنگی که در ذهن مجسم کرده است نشان دهد.

نباید در هیچ شرایطی برای کودکان شکل کشید، رنگ انتخاب کرد، الگو یا مدل نقاشی ارائه داد؛ بلکه تنها باید به آنان کمک کنیم تا تصویرهای ذهنی جالب و تازه‌ای متناسب با درک ذهنی خود بکشند و آن‌ها را آن‌گونه که دوست دارند رنگ بزنند تا خلاقیتشان پرورش یابد.

باید توجه کودکان را در فرصت‌های مناسب به شکل‌های متنوع طبیعی و ساخته دست بشر، تنوع رنگ‌ها، بافت‌های گوناگون طبیعی و مصنوعی و به‌طور کلی، دقت در دیدن و درک موضوعات مختلف جلب کرد. برای مثال، دیدن یک ذرت در کلاس و مشاهده قسمت‌های مختلف آن زیر ذره‌بین، شمردن دانه‌های هر ردیف، لمس کردن پوست ذرت و بو کردن کاکل آن، دیدن برش عرضی و طولی ذرت و بررسی آن برای کودکان بسیار جذاب است و باعث شناخت بیشتر آنان و ایجاد ارتباط می‌شود.

شاید خرس آبی باشد

اصرار نکنید کودکان به شیوه مشخص و در چارچوب معینی کار کنند. اگر در نقاشی خرسش را آبی‌رنگ کرد و آسمان را سبز، به او انتقاد نکنید. یکی از نشانه‌های افراد خلاق



این است که به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشند و راه‌های متفاوت انتخاب می‌کنند. به گفته اوشو: «فراموش نکن که افراد خلاق همیشه سعی دارند راه‌های عوضی را امتحان کنند. اگر همیشه راه درست بروی، هرگز خلاق نخواهی بود، زیرا راه صحیح یعنی راه کشف شده توسط دیگران.» فعالیت نقاشی، کودکان را به «خوب دیدن» و «دقیق و عمیق دیدن» تشویق می‌کند. توجه دقیق کودک به آن‌چه با چشم می‌بیند یا تصاویری که با تخیل در ذهن خود می‌سازد به او کمک می‌کند بهتر نقاشی کند.

خلاقیت و تصاویر

مسئله خلاقیت یکی از جهات اصلی پژوهش‌هایی است که به پدیده‌های هنری مربوط می‌شود. مدت زیادی همه فکر می‌کردند که خلاقیت، موضوعی است پیچیده، و نمی‌توان آن را با روش تجربی بررسی کرد.

روان‌کاوی، در روند خلاقیت، از یک طرف به‌طور ناخودآگاه، با تصاویر و تخیلات و از طرف دیگر با کار تنظیم و تشکیل «من» دخالت دارد. کریس (Kris)^۹ نوشته است:

«اکنون به‌نظر می‌رسد کارهایی که انسان در کودکی و عنفوان جوانی تجربه کرده ممکن است به عنوان زمینه قبلی بر روند فکری، خواب و رؤیا و خلاقیت‌های هنری او اثر بگذارد. در لحظه خلاقیت، کودک و هنرمند به‌طور موقت از افکار عقلانی دست می‌کشند و از درون خود چالش‌هایی را که در غیر این صورت مخفی می‌ماندند بیرون می‌کشند. بنابراین هنرمند خلاق با نوعی قابلیت حرکت بین «بازگشت به عقب» و پیشرفت مشخص می‌شود.»^{۱۰} حتی می‌توان با دادن دستورالعملی (ارائه موضوع) به کودک، خلاقیت آزاد وی را تحت نظم معینی درآورد. به همین ترتیب، روان‌شناسان کودک در قسمت نقاشی برای پی‌بردن به اختلالات و مشکلات رفتاری کودکان از «تست نقاشی خانواده» استفاده می‌کنند.

برخی موضوعات پیشنهادی برای کودکان

پیدا کردن نقاشی اتفاقی: این نقاشی هم جنبه بازی و سرگرمی دارد و هم خلاقیت تصویری کودکان را تقویت می‌کند. به کودکان یاد می‌دهد تا محیط اطراف خود را به دقت ببینند و از درون آن چیزی را کشف کنند که دیگران ندیده‌اند. **نقاشی برای قصه:** کودکان پس از شنیدن قصه می‌توانند صحنه‌ای را به‌دلخواه انتخاب کرده و آن را به گونه‌ای که تجسم کرده‌اند نقاشی کنند. این موضوع خلاقیت تصویری آنان را پرورش می‌دهد.